Exploration of Mythical Duty-Consciousness of Devs in the Works of Mohammad Siyahghalam

Zahra Alioghli Ziyaei[1] iD, **Hamideh Hormati**[*2] iD

[1] Master Student of Art Research, Department Art Research, Faculty of Visual Arts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.
[2] Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Multimedia, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

(Received: 8 Oct 2023; Received in revised form: 10 Jan 2024; Accepted: 31 Jan 2024)

The dev, in mythological beings, is often depicted as malevolent and tyrannical throughout various eras. Due to some of the dev's duty-consciousness characteristics, such as shape-shifting, reversibility, and proficient enchantment, they have attracted the attention of artists in the depiction of some books and other artistic works. In this regard, Muhammad Siyah Ghalam, a renowned artist of the 8th century AH, and according to many researchers, Ghiath al-Din Muhammad Nagghash, who was sent by Shahrokh to China as part of a political delegation and was tasked with documenting his experiences and observations during this trip, have repeatedly incorporated devs into their works of art. In his depictions, he had multiple reflections on portraying the character of the dev and frequently utilized devs in his collection of works. Furthermore, in these illustrations, Siah ghalam addresses some of the duty-consciousness of the dev, which, from a mythological perspective, mainly involve performing various tasks and functions of the dev. These duty-consciousness have witnessed changes in the character and functions of the dev over different periods, from mythological times to historical periods. The main objective of this research is to investigate the duty-consciousness of the dev in the works of Siyah Ghalam and compare them with their mythological duties. The present research method is of a descriptive-analytical nature and involves collecting library data through tools such as bibliography extraction, image interpretation, and analyzing various tasks of the dev in tables, presenting findings in statistics. To this end, 28 images by Siah Ghalam from the Topkapi Museums in Istanbul, the Farer Art Gallery, and the Metropolitan Museum of Art in New York have been systematically collected. In the first step, there is a general introduction to this dev, followed by the categorization of various tasks and duty-consciousness in different tables. Subsequently, the obtained results are analyzed statistically, and finally, a conclusion is reached. This research aims to answer the question of what duty-consciousness Siah Ghalam had and to what extent they have remained faithful to their mythological character based on these duty-consciousness. The results obtained classify the dev's duties based on duty-consciousness into eight categories: conflict, occupation, transportation, theft, dance, drinking, wandering, and debate. Among these, the dev's most significant duty-consciousness are related to occupation, where the dev is shown in the act of performing actions such as cutting a tree trunk (deforestation), spinning, and rescuing, grinding, as well as stealing actions. Another significant duty-consciousness is theft. The conclusion drawn is that despite Muhammad Siah ghalam's use of his experiences from traveling to China and recording his observations and humanizing the devs in his Devs, the characteristics and behaviors of the four devs remain faithful to the mythical traits of devs, of which a significant part such as fighting like Anast Dev and Aeshm Dev, stealing like Drivi Dev, drinking wine like Saurva Dev, and on the other hand, deceiving like the Aktash Devs, Fariftar, and Kasvish, and debating like Spazg Dev, generally have their roots in the devic and misleading nature of these creatures.

Keywords
Functions, Mythology, Dev, Muhammad Siyah Ghalam, Ghiyas ul-Din Naqash

Citation: Alioghli Ziyaei, Zahra; Hormati, Hamideh (2024). Exploration of mythical duty-consciousness of devs in the works of Mohammad Siyahghalam, *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 29(4), 101-113. (*in Persian*) DOI: https://doi.org/10.22059/jfava.2024.366084.667189

[*] Corresponding Author: Tel: (+98-914) 7330339, E-mail: hormati@tabriziau.ac.ir

صفحات ۱۰۱-۱۱۳ (مقالهٔ پژوهشی)
نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی ● دوره ۲۹ ● شماره ۱ ● بهار ۱۴۰۳

واکاوی خویشکاری‌های اساطیری دیوان در آثار محمد سیاه قلم*

زهرا علی اوغلی ضیائی[۱]، حمیده حرمتی[۲*]

[۱] کارشناسی ارشد پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.
[۲] استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده چندرسانه‌ای، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱)

چکیده

دیو موجود اهریمنی اسطوره‌ای است که طی دوره‌های مختلف به‌واسطه برخی از خویشکاری‌های خود مورد توجه هنرمندان در تصویرگری قرار گرفته است که از آن میان می‌توان به طور ویژه از محمد سیاه قلم نام برد. وی با تأملی مضاعف در ترسیم نقش دیو، با بیانی آشکار به تصویرگری برخی از خویشکاری‌های دیوان پرداخته است. تأمل بر نقش دیوان محمد سیاه قلم به لحاظ واکاوی خویشکاری و تطبیق آن با وظیفه اساطیری ایشان اهداف اصلی این پژوهش است. روش پژوهش به لحاظ هدف کاربردی، از نوع توصیفی- تحلیلی و گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای است که هر ۲۸ نگاره وی را شامل می‌شود. این پژوهش درصدد یافتن پاسخ به این پرسش است که دیوان سیاه قلم چه خویشکاری‌هایی داشته‌اند و تا چه اندازه به وظایف اساطیری خود وفادار مانده‌اند؟ در حاصل نتایج خویشکاری دیوان سیاه قلم در هشت عمل نزاع دیوان، انجام پیشه، حمل، دزدی، رقص، باده‌نوشی، رامشگری و مباحثه دسته‌بندی گردید که انجام وظیفه انسانی و داشتن پیشه مهم‌ترین وجه ممیزه دیوان سیاه قلم است. در تطبیق با چهره اساطیری ایشان می‌توان گفت بخش قابل توجهی از خویشکاری‌های دیوان سیاه قلم به چهره اهریمنی آنان مربوط است که این امر به‌نوبه خود ریشه در متون اساطیری اوستایی و پهلوی دارد.

واژه‌های کلیدی
خویشکاری، اساطیر، دیو، محمد سیاه قلم، غیاث‌الدین نقاش

استناد: علی اوغلی ضیائی، زهرا؛ حرمتی، حمیده (۱۴۰۳)، واکاوی خویشکاری‌های اساطیری دیوان در آثار محمد سیاه قلم، نشریه *هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*، ۲۹(۱)، ۱۰۱-۱۱۳. https://doi.org/10.22059/jfava.2024.366084.667189

*نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۴-۷۳۳۰۳۳۹، E-mail: hormati@tabriziau.ac.ir.

مقدمه

محمد سیاه قلم از هنرمندان نام آور سده ۸ ه.ق و به باور بسیاری از محققان همان غیاث‌الدین محمد نقاش است که پرداختن به نقش دیو در نقاشی‌های سیاه قلم یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های آثار وی است. مفهوم «دیو» ریشه در اساطیر ایرانی دارد که شخصیت و کارکردهای آن طی ادوار مختلف، از دوران اساطیری تا تاریخی تغییراتی را به خود دیده است. بر همین اساس «خویشکاری» دیوان که از منظر اساطیری همان پرداختن به انجام عمل و وظیفه دیوان است، دستخوش تغییرات شده و در صور متفاوتی بازنمایی شده است. پرداختن به این مهم، موضوع پژوهش محققان بسیاری در حوزه‌های ادبی و اسطوره شناسی بوده لکن واکاوی این امر در پیوند حوزه ادبی و هنری و در بستری بینارشته‌ای از پژوهش‌های بدیع و ضرورت تحقیق به‌شمار می‌آید. هدف اصلی این پژوهش تأمل بر وظیفه دیوان محمد سیاه قلم به لحاظ واکاوی خویشکاری است که به تطبیق آن با نقش اساطیری پرداخته می‌شود. این مقاله در پی پاسخ به این سؤالات است که دیوان محمد سیاه قلم چه خویشکاری‌هایی داشته‌اند و تا چه اندازه به وظایف اساطیری خود وفادار مانده‌اند؟ در همین راستا در نگاه نخست، به معرفی کلی این دیوان و تقسیم‌بندی آنان به لحاظ داشتن وظایف گوناگون در جداول مختلف اشاره و سپس به تقابل خویشکاری دیوان محمد سیاه قلم با متون اساطیری پرداخته می‌شود. در نهایت با تحلیل یافته‌های به دست آمده بر اساس آمار به نتایجی چند دست یازیده است.

روش پژوهش

روش مقاله پیش‌رو، در حیطه پژوهش‌های کیفی به لحاظ هدف کاربردی و از نوع توصیفی- تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای بوده که ابتدا با ابزارهای فیش‌برداری و تصویرخوانی سپس آنالیز دیوها در جداول، به صورت ارائه آمار انجام یافته است. نمونه‌گیری پژوهش شامل تمامی نگاره‌های دیو محمد سیاه قلم است که به تعداد ۲۸ اثر از موزه‌های توپقاپی استانبول، گالری هنر فریر و موزه متروپولیتن نیویورک گردآوری شده‌اند. در گام نخست، به معرفی کلی خویشکاری‌های دیوان اساطیری و محمد سیاه قلم و در قدم پسین به تقسیم‌بندی وظایف گوناگون ایشان و سپس تحلیل یافته‌ها بر اساس آمار پرداخته شده است. در نهایت داده‌های به دست آمده به روش استقرایی، برای حصول نتیجه پژوهش مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفته‌اند.

پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر، پیشینه‌های مرتبط با موضوع خود را در سه حوزه «خویشکاری»، «دیو» و «محمد سیاه قلم» مورد بررسی قرار داده است. پیش از هر چیز باید گفت در زمینه کاربست مفهوم خویشکاری، استناد به مقاله «خویشکاری فردوسی» (۱۳۸۷) نگاشته ژاله آموزگار و اخذ مفهوم اساطیری این واژه بنابه تعریف ایشان مطمح نظر نویسندگان مقاله حاضر بوده است. در یک بیان کلی می‌توان گفت تحقیقات انجام‌یافته در حوزه دیوان و نقش اساطیری و تاریخی آنان بیش از همه توسط محققان ادبی و شاهنامه پژوهان با رویکرد اسطوره شناختی انجام گرفته و دیگر معدود پژوهش‌های مرتبط با موضوع دیو در زمینه هنری با رویکرد تطبیقی و زیبایی‌شناختی نقش دیو بوده است.

در رابطه با موضوع دیو در حوزه ادب فارسی مقالات بسیاری تألیف شده است. نظیر مقاله «دیو و جوهر اساطیری آن» توسط احمد طباطبائی در سال (۱۳۴۳)؛ مقاله «مظاهر شر در آیین زرتشتی» توسط رشید عیوضی در سال (۱۳۴۵) و مقاله «دیوها در آغاز دیو نبودند» نوشته ژاله آموزگار در سال (۱۳۷۱) که به مطالعه ریشه‌های اسطوره‌ای دیو در ایران باستان و *شاهنامه* فردوسی پرداخته‌اند. در زمینه *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*؛ پژوهش «بررسی عنصر دیو در *شاهنامه*» از آمنه علی اکبری گلسفیدی (۱۳۸۷) به راهنمایی حسین سرداغی و محمدتقی آذر مینا در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، با هدف مطالعه سیر تحول دیوان از تاریخ پیش از اسلام تا بعد اسلام و توجه درخوری به *شاهنامه* فردوسی پژوهش صورت گرفته است. در زمینه مطالعات هنری، مقاله «مقایسه تطبیقی تصاویر دیوهای محمد سیاه قلم با دیوهای نگارگری ایران (*معراج‌نامه* و *خاوران‌نامه*)» توسط محمدرضا خبیری به تأثیرات نگاره‌های دیوان محمد سیاه قلم بر ترسیم دیوهای نگارگری ایران پرداخته است. همچنین مقاله «ساتیر در نقاشی‌های محمد سیاه قلم» توسط جیمز وایت[1] و ترجمه ستاره نصری در سال (۱۴۰۰) که مقایسه دیوها و انسان‌ها با ماهیت شیطانی و رفتارهای ممنوعه در منابع ایرانی و عربی و ریشه‌یابی این رفتارها را محور پژوهش خود قرار داده است. در مورد شخصیت محمد سیاه قلم و ابهام‌های مرتبط با هویت وی و نقاشی‌هایش، کتاب‌های *استاد محمد سیاه قلم* از یعقوب آژند و *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران* از محمدعلی کریم‌زاده به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۶۹ نوشته شده‌اند. این دو کتاب به معرفی هویت محمد سیاه قلم، هویت نقاشی‌ها و زمان و مکان خلق آن‌ها پرداخته‌اند. در مجموع شناخت محمد سیاه قلم و تشخیص هویت وی و آثارش محوریت پژوهش‌های پیشین در حوزه هنری است.

دو پژوهش مرتبط با مفاهیم «خویشکاری» و «دیو» در دو مقاله «بررسی صفات و خویشکاری‌های دیوان در مجموعه *روایات فردوسی‌نامه*» نوشته رضا غفوری (۱۳۹۴) و «مطالعه تطبیقی خویشکاری‌های اغواگری، فساد و رشک در دیو زنان متون کهن زرتشتی و زنان *شاهنامه*» به نوشته نسرین قنبری (۱۴۰۱) انجام یافته است که در هر دو مورد بیشترین همت نویسندگان صرف بازنمایی ریشه اساطیری خویشکاری دیوان از مجرای منابع متنی و نوشتاری به خصوص *شاهنامه* شده است لکن مطالعه حاضر با وجه ممیز پرداخت به خویشکاری دیوان از روی منابع تصویری و بررسی آن اعمال و وظایف در هر ۲۸ تصویر دیوان در آثار محمد سیاه قلم در نوع خود بدیع می‌نماید.

مبانی نظری پژوهش

خویشکاری[2]

خویشکاری در متون پهلوی در مفهوم انجام وظیفه و مترادف واژه فرّه است، به این صورت که کسانی که وظایفشان را درست به جای آوردند، صاحب فرّه‌اند (آموزگار، ۱۳۸۷، ۲۱). در جهان مینوی، هنگام

نخستین هجوم اهریمن به اهورمزدا فروهرها چون سپاهی گرد وی را گرفتند و از آسیب در امانش داشتند. در گیتی نیز آدمی سردار و سالار همه نیروهای جنگنده است. پس انسان در نظام جهان و نبرد نیک و بد وظیفه‌ای دارد که باید به فرجام رساند. در زبان پهلوی این وظیفه و انجام آن را «خویشکاری» می‌نامیدند که ترجمه دقیق و رسای خوره (فر) است. آفریدگار، آفریدگان را آفرید تا کاری را به انجام رسانند و آن‌ها فرمانبران آفریدگارند کار آن‌ها از خوره و خویشکاری به انجام می‌رسد. خویشکاری در فرمان‌بردن از خوره است. با به‌کارگرفتن خویشکاری، کار آفریدگار انجام می‌شود و بدین‌سان کام او برآورده می‌شود. ولی چون به ضد خویشکاری برخیزند باخوره و کار آفریدگار دشمنی کرده‌اند کام او برآورده نمی‌شود و زیانی به بار می‌آید (مسکوب، ۱۳۵۱، ۲۷). بر همین اساس در میان دیوها، این موجودات شرور و اهریمنی و تباه‌کننده موجودات اهورایی می‌توان به نظامی از خویشکاری‌ها در متون اساطیری و حماسی دست یافت. به‌عنوان مثال حضور دیوان در *شاهنامه* فردوسی منعکس‌کننده برخی از خویشکاری‌هایی است که فردوسی آن‌ها را در عمده‌ترین حالات به صورت، پیغام‌گذاری، آموزش خط و نوشتن، رامشگری، روان‌ساختن گردونه در آسمان، ساحری و جادوگری، سپاهی‌گری و لشکری، فریب‌کاری و گمراهی، معماری و بنّایی بیان کرده است (غفوری، ۱۳۹۴، ۵۱).

دیو

واژه دیو در زبان اوستایی، دیو[3] و هندی باستان دیوا[4] (یاحقی، ۱۳۲۶، ۳۷۱) و در پهلوی (فارسی میانه) دِو[5] بوده که در فارسی جدید دیو گفته می‌شود (عفیفی، ۱۳۷۴، ۵۲۲). ارواح شریر و دیوان، به واسطه ذهنیت‌هایی که از دامنه تخیل انسان سرچشمه می‌گیرند، دارای ویژگی‌هایی انسانی و غیرانسانی معنا هستند. این ویژگی‌های غیرانسانی معمولاً نمایانگر آرزوهایی هستند که برای انسان‌ها به‌شدت غیرممکن به نظر می‌رسند و به گونه‌ای شگفت‌انگیز و عجیب هستند که برای توصیف آن‌ها، اصطلاح (مافوق طبیعی) را به کار می‌بریم (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ۵۴). همچنین، دیوان به‌عنوان یک گروه از خدایان آریایی شناخته می‌شوند که توسط مردم ایران پرستش می‌شدند. این خدایان پیش از آفرینش مینوی زردشت، آغاز آفرینش و پس از آن نیروی و اهمیت خود را حفظ می‌کردند (اکبری مفاخر، ۱۳۸۷، ۵۲). ولی پس از ظهور زردشت و معرفی اهورا مزدا، خدایان قدیم (دیوان) گمراه‌کنندگان و شیاطین خوانده شدند (یاحقی، ۱۳۲۶، ۳۷۱) و زردشت به‌عنوان پیامبر، آنان را از زمین برکنار کرد و اجباراً به زیر زمین سوق داد. بنابراین دیوان در آن محل به طور پنهانی به زندگی خود ادامه دادند (قلی زاده، ۱۳۹۲، ۲۱۶-۲۱۷). در گاهان، کهن‌ترین بخش *اوستا* نیز آمده است:

> *دیوان خدایان دشمن هستند؛ موجودات مینوی ولی عمّال دنیای بدی که زردشت الوهیت آن‌ها را انکار کرده است و به عبارت دیگر دیوان ایزدان جامعه شرق هستند که با جامعه معتقد به گاهان اختلاف دارند و کم‌کم دیوان به صورت خدایان دروغین در می‌آیند. از این پس کم‌کم دیگر دیوان ایزدان جامعه دشمن نیستند؛ بلکه خود انبوهی از اهریمنانند.* (آموزگار، ۱۳۷۱، ۱۸)

تصوراتی نیز درباره بومیان فلات ایران به جا مانده که با گذشت زمان به شاخ و برگ افسانه آراسته شد و به تصور موجود زیانکار و زشت چهره‌ای به نام دیو منجر گردید. امروزه تردیدی نیست که دیوان داستان‌های رزمی ایران آدمیانی بوده‌اند زورمند و غول پیکر و از آنجا که به آیین دیگری اعتقاد می‌ورزیدند، پدران ما به تبعیت از اوستا آن‌ها را دیو نام نهادند. در گذر تاریخ، پیشینه دیوان به‌عنوان خدایان آیین‌های کهن فراموش شد و به تدریج شخصیت جدیدی برای دیوان به تصویر کشیده شد (طباطبائی، ۱۳۴۳، ۴۵).

آرش اکبری در مقاله «دیوان در متون اوستایی و فارسی باستان» سرچشمه دیوان اوستا را به دو دسته تقسیم‌بندی می‌کند که در گروه اول، دیوان همانند اهریمن به سمت اپاختر[6]؛ دوزخ تیره و دنیای تاریکی در زیرزمین رانده می‌شوند و در آنجا خود را مخفی می‌کنند. در حالی که در گروه دوم، دیوان ویژگی‌هایی مشابه انسان دارند و با آنان همانند دشمنان شکست خورده رفتار می‌شوند. این دیوان از ابتدا به طور آزادانه در روی زمین زندگی می‌کنند، اما بعداً به واسطه تلاش‌های زردشت، در زیرزمین مخفی می‌شوند (اکبری مفاخر، ۱۳۸۷، ۵۹-۶۰).

بر اساس این روایات اساطیری، دیوان به طور معمول سنگدل و ستمگر تصویر شده و دارای نیرویی عظیم بودند که توانایی تغییر شکل داشتند. آن‌ها در انواع افسونگری ماهرانه عمل می‌کردند و در داستان‌ها به صور مختلف ظاهر شده و وقایعی را به وجود می‌آوردند (یاحقی، ۱۳۲۶، ۳۷۲). با گذر از دوره اساطیری به تاریخی دیوها همچنان در متون حماسی و نیز فرهنگ عامیانه مردم به‌عنوان موجودات اهریمنی و شیطانی به حیات خود ادامه دادند. در تحولات اخیر، دیو به‌عنوان یک موجود فوق طبیعی و زیانکار با چهرهای سیاه، کریه و دندان‌هایی گراز مانند و گوش و دُمی حیوان‌گونه در هیبت و ظاهری غریب تصور شده که خصوصیت‌های گوناگونی دارد و با خویشکاری‌های متعددی توصیف شده است (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ۵۳-۵۴).

خویشکاری اساطیری دیوان

روند حضور دیوان در ادبیات ایران را می‌توان به چهار دوره کلی تقسیم کرد که عبارت‌اند از: دوران آریایی و هند و ایرانی، از آغاز اصلاحات زرتشت تا پایان پادشاهی هخامنشیان، از پادشاهی اسکندر تا پایان پادشاهی ساسانیان و از ورود اسلام به ایران تا پایان دوره‌ی حماسه‌های ملی. در هریک از این دورها تصورات خاص و دیدگاه‌های گوناگون و متفاوتی درباره‌ی دیوان وجود دارد (اکبری مفاخر، ۱۳۸۷، ۵۲) و آگاهی ما از دیوان اساطیری ایران از منابع گوناگون سرچشمه می‌گیرد. مهم‌ترین آن اوستا، کتاب مقدس زردشتیان است (هینلز، ۱۳۷۳، ۲۱) که مدت‌ها سینه به سینه نقل می‌شده و در دوره ساسانی با تکیه بر آگاهی‌های همه موبدان و با خطی که در دوره ساسانی بر مبنای خط پهلوی اختراع شده بود، تدوین یافته است که خود مختصرتر از اوستای دوره باستانی است و شامل ۵ کتاب: *یسنها (یسنا)، یشت‌ها، وندیداد یا ویدیوداد و خرده اوستا* هستند (آموزگار، ۱۳۷۴، ۷). لکن اکنون تنها آن قسمت از اوستا که در مناسک دینی به کار می‌رود در دست است. مهم‌ترین بخش مجموعه *گاثه‌ها* (=گات‌ها، گاهان) یا هفده سرود زرتشت است. گاهان در میان *یسنها*[7] جای دارد (هینلز، ۱۳۷۳، ۲۱). دیگر منبع، مربوط به تألیفات دوره پهلوی است که متن آن متعلق به دوره ساسانی بوده و حتی این آثار روایت‌های بسیار قدیمی‌تری را نیز بازگو می‌کند که شامل *دینکرد، بُندَهشن، گزیده‌های زادِسپَرَم و مینوی خرد* هستند (آموزگار، ۱۳۷۴، ۸).

در اندیشه آریاییان همیشه نوعی دوگانگی جای داشته است: تعارض میان خوب و بد. این شیوه تفکر، هسته اصلی و زیربنای اندیشه‌ای آئین‌های ایران باستان را نیز تشکیل می‌دهد (آموزگار، ۱۳۷۱، ۱۶). پس از جدائی ایرانیان از سایر آریاییان و مهاجرت به سرزمین جدید خود ایران، اعتقاد به وجود عوامل سودمند طبیعت به نام «خدایان» و قوای مخرب طبیعت به نام «اهریمنان» در فرهنگ ایرانی حفظ شد تا زمانی که زرتشت برانگیخته شد و اصول مذهبی زرتشتی را به جامعه معرفی کرد و خدایان دیرین آریائی را فروکشید و برخی از آن‌ها را به‌عنوان یاران اهریمن توصیف کرد و به تدریج پایه‌های توحید را استحکام بخشید (عیوضی، ۱۳۴۵، ۳). نزد اقوام آریایی، دیوان از ارباب انواع به شمار می‌رفتند و در کنار دیگر ایزدان[۸] مقام و دولت شامخی داشتند (طباطبائی، ۱۳۴۳، ۴۰). در روایت آفرینش آمده است: پس از اینکه اهورامزدا به کار آفرینش جهان مینوی و جهان مادی پرداخته و امشاسپندان، ایزدان و فروهرها را آفرید، اهریمن نیز بیکار نماند و به کار آفرینش دنیای بد دست زد. در مقابل امشاسپندان، کماریکان و در مواجهه با ایزدان، دیوان را به وجود آورد (عفیفی، ۱۳۷۴، ۵۲۲). برای هر کدام از امشاسپندان و ایزدان، هماورد[۹] یا رقیبی ذکر شده است. دیوها نیز مانند ایزدان سلسله مراتب دارند و از نظر اهمیت و قدرت عمل در مقام‌های بالا و پایینی قرار می‌گیرند (آموزگار، ۱۳۷۴، ۴۱-۴۳). به طوری که اهورامزدا و اهریمن برای هر یک از آنان یک خویشکاری قرار می‌دهد (اکبری مفاخر، ۱۳۸۹، ۶۴).

در متن پهلوی، دیوان به معنای سران دیوان یا دیوان بزرگ و عظیم تفسیر می‌شود. این دیوان در مقابل شش مهین فرشته، شش دیو بزرگ از کارگزاران اهریمن به شمار می‌آیند. اعضای این گروه شش دیوان (کماریکان) عبارت‌اند از: اک منه، ایندر، سئورو، ناانونگ هئی ثی، تئوری و زئیریش. پس از معرفی این شش دیوان، سه دیو دیگر به نام‌های دروغ، خشم، و اژدهاک نیز به‌عنوان موجودات مهم و با اهمیتی ذکر می‌شوند (عیوضی، ۱۳۴۵، ۱۱-۱۴). در متن دیگر پهلوی، مینوی خرد آمده است که اهریمن بدکار، دیوان و جادوان و دیگر فرزندان اهریمنی را از عمل لواط خود به وجود آورد (آموزگار، ۱۳۷۱، ۳۴۵).

در افسانه‌ی زردشت از فعالیت فزاینده دیوان نشان‌ها داریم. این افسانه که در ادوار پیشین در روایت زردشتی یشت‌های کهن یافته بود به همراه آنچه که نگارندگان وندیداد از دیدگاه خاص خود به اوستای ساسانی افزودند (عیوضی، ۱۳۴۵، ۷۱). از بخش‌های اوستا بیشتر در وندیداد به نام‌های این‌گونه دیوان و گاهی شخصیت و وظایفشان برمی‌خوریم ولی در غالب متون پهلوی کمابیش از آنان سخن رفته است (عیوضی، ۱۳۴۵، ۱۵۲) که بندهش تقریبا نام جملگی اهریمنان یاد شده در یشت‌ها و وندیداد را به اضافه‌ی اهریمنانی دیگر که بی‌شک از دست گرفته شده‌اند حفظ کرده است (عیوضی، ۱۳۴۵، ۷۴). نام وندیداد خود واژه‌یی پر معنی و هیأت دگرگون شده و ایرانی واژه اوستایی (وی دئیوات) یعنی قانون ضد دیوان است. در وندیداد، نخست به عیوب و نقص‌های شخصیت پرداخته شده و سپس به توصیف گروهی از اهریمنان می‌پردازد که معمولاً هویت دقیق آن‌ها قابل تعیین نیست. همچنین اهریمنان دیگری نیز وجود دارند که به‌عنوان نمایندگان سستی و فتور در نظر گرفته می‌شوند. در وندیداد همچنین از دیوانی سخن رفته که نام آن‌ها تنها به شکل کلی آمده و مانع از درک دقیق ماهیت و خصوصیت واقعی آن‌ها می‌شود و گروهی اهریمن دیگر که نامشان برای ما مفهومی ندارد (عیوضی، ۱۳۴۵، ۴۲-۴۷).

در اینجا با ترتیب حروف تهجی به بررسی چند تن از دیوان بر اساس متون اوستایی و پهلوی، که با خویشکاری دیوان محمد سیاه قلم مطابقت دارند، در (جدول ۱) پرداخته و در ادامه بحث به تطبیق این دیوان اشاره می‌شود.

جدول ۱. خویشکاری دیوان اساطیری بر اساس متون اوستایی و پهلوی.

آناست دیو؛ خویشکاری زورگو
ائشم دیو؛ خویشکاری خشم و سنگدلی
اکتش دیو؛ خویشکاری گمراهی
دئیوی یا فریفتار دیو؛ خویشکاری گمراهی
دریوی دیو؛ خویشکاری گدائی
سئورو یا ساول دیو؛ خویشکاری مستی
سپزگ دیو؛ خویشکاری سخن چینی
کسویش دیو؛ خویشکاری گمراهی

آناست دیو[۱۰]

این دیو در وندیداد (فرگرد ۱۱)، دیو تباه و ویرانی است (رضی، ج. ۲، ۱۳۸۵، ۷۲۴) و در بندهش (۹-۱۸۶) دیو دروغ است که زور می‌گوید (بهار، ۱۳۴۵، ۵۹).

ائشم دیو[۱۱]

به این دیو در *گات‌ها* اَئِشِمَ، در بخش‌های دیگر *اوستا* اَئِشمَ، در پهلوی اِشم و در فارسی خشم گویند (پورداود، ۱۳۳۶، ۲۸). معنی آن غضب و ویرانی و فساد است. این دیو همان است که امروزه خشم گوئیم. در اوستا هیچ دیوی شریرتر و ناپاک‌تر از خشم نقل نشده است (پورداود، ۱۳۷۷، ج۱، ۵۲۰). در *گات‌ها* شش‌بار (۲۹/ ۱؛ ۲/۲۹، ۳۰/ ۶؛ ۲۰/۴۴، ۱۲/۴۸)، از خشم اسم برده شده است. در *اوستا* غالباً به اسلحه خونینی دارنده تعریف شده است. در آیین زرتشتی یکی از پر آسیب‌ترین دیوان شناخته شده است یه طوری که در بندهش (فصل ۲۸ فقره ۱۵) آمده است که به دیو خشم هفت قوه داده شده که با آن‌ها می‌توان سراسر موجودات را فنا و ویران سازد (همان، ۴۷۵). این دیو است که با پراکنده ساختن هوش مردمان آنان را به دزدی و راهزنی وادار می‌کند (عیوضی، ۱۳۴۵، ۱۸-۱۹). این دیو نماد سنگدلی و درندگی است و این درندگی را علیه آدمیان و چارپایان به کار می‌برد (کریستنسن، ۱۳۵۵، ۶).

دیو اَکتَش[۱۲]

به معنای آفریننده بدی است. نام او دوبار در *اوستا* آمده است (فرگرد ۱۰، بند ۱۳؛ فرگرد ۱۹، بند ۲۹) و با خشم مرتبط است. دیو دروج انکار است که آفریدگان را از چیز نیکو منکر کند. چنین گوید که کسی که چیز بدان کسی دهد که مردم را از چیز نیکو منکر دارد، آنگاه آکه تش از او خشنود شود (بهار، ۱۳۷۵، ۱۳۰-۱۷۰). در بندهش (۱۸۴/۱۲)، نام دیوی است که مردم را به انکار چیز نیکو وامی‌دارد (بهار، ۱۳۴۵، ۴۰۹).

دئیوی یا فریفتار دیو[۱۳]

در وندیداد (فرگرد ۱۹، بند ۴۳) به همراهی چند دیو آمده است که ماده دیو فریب است (همان). در ترجمه پهلوی «فریفتار» شده است. از

دیو فریفتار فقط یکبار در *بندهشن* (۱۸۶/۶) با عنوان دیو فریب و فریبنده و گمراه کننده مردمان خطاب شده است (همان، ۱۳۲).

دریوی دیو[۱۴]

این دیو در *وندیداد* (فرگرد ۲، بند ۲۹؛ فرگرد ۱۹، بند ۴۳) دوبار به صورت دریویش ذکر شده است که ماده دیو گدا، درویش، تهی‌دست، پستی، ادبار و فرومایگی است (رضی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۲۱۹). در متن یشت‌ها دیوِ دریوزی و گدائی است (پورداود، ۱۳۷۷، ج ۲، ۴۰).

سئورو یا ساول دیو[۱۵]

نام یکی از خدایان دیرین آریائی، که بقول *بندهش* مظهر سلطنت بد و بی‌نظمی و آشوب و مستی است (پورداود، ج ۱، ۱۳۷۷، ۹۳). از این دیو به همراهی سایر دیوان بزرگ دوبار در *وندیداد* (فرگرد ۱۰، بند ۹؛ فرگرد ۱۹، بند ۴۳) نام برده شده است (عیوضی، ۱۳۴۵، ۱۳). در پهلوی (بندهش) ساول دیو را که سردار دیوان است، کار این که پادشائی بد، ستم و بیداد و مستگاری بخشد (بهار، ۱۳۷۵، ۱۶۷).

سپزگ دیو[۱۶]

دیو بدگو، بدگوینده در پشت سر، پیغاره بند، پلمسه گو، سخن‌چین و یاوه‌گو (یشت ۳/۱۱)، بدگوترین و سخن‌چین‌ترین نرینه (یشت ۱۵، ۳/۸)، سپزگ در فارسی و در پهلوی برابر با تهمت و افترا در زبان تازی است (بهرامی، ۱۳۶۹، ۱۴۶۳). در *مینوی خرد* (۸/۱) به دیو سخن‌چینی و غیبت و تهمت خوانده شده است. دیو بدکاره‌ای که در دوزخ به جای پیش رفتن، پس می‌رود (آموزگار، ۱۳۷۹، ۶).

کسویش دیو[۱۷]

در *وندیداد* (فرگرد ۲، بند ۲۹؛ فرگرد ۱۹، بند ۴۳) به همراهی چند دیو دیگر ذکر گردیده که به دیو کین و کیفر و دیو فریب خوانده شده است (پورداود، ۱۳۷۷، ج. ۲، ۴۰) و (عیوضی، ۱۳۴۵، ۱۶۲).

محمد سیاه قلم

گرچه تعداد زیادی از تحقیقات در قرن اخیر به بررسی هویت محمد سیاه قلم پرداخته‌اند اما هویت وی همچنان در پرده ابهام قرار دارد. در پژوهش‌های انجام‌یافته، شناخت محمد سیاه قلم از چندین جنبه مختلف مورد توجه قرار گرفته است، شناسایی هویت محمد سیاه قلم، شناسایی هویت نقاشی‌های وی و همچنین تعیین منشأ و محل این نقاشی‌ها (آژند، ۱۳۸۹، ۳۲۱).

در نظر نگارندگان به احتمال زیاد وی محمد بن محمود شاه خیام یا همان غیاث‌الدین محمد نقاش است که به سفارش شاهرخ در ارتباط با یک هیئت سیاسی به چین اعزام شده بود و وظیفه داشت تا تجربیات و مشاهدات خود را در طول این سفر ثبت نماید. ازهمین‌روی، وی دو سفرنامه کتابت کرد، یکی مکتوب که در بیشتر تواریخ دوره تیموری از جمله *زبده‌التواریخ* حافظ ابرو و *مطلع* سعدین عبدالرزاق سمرقندی ثبت شده است و دیگری *سفرنامه* مصور که همان مرقعات معروف و محفوظ در موزه توپقاپی سرای استانبول است که به آثار استاد محمد سیاه قلم شهرت دارد (همان، ۳۲۷). دلایل انتخاب وی برای این مأموریت را می‌توان در ماجرای ارسال هدیه خاقان چین به دربار شاهرخ جست‌وجو کرد؛ یعنی صورت اسبی که نقاشان چین کشیده بودند. خاقان می‌خواست با این هدیه خود هنر نقاشان چین را به رخ شاهرخ بکشد. از اینروی فرزند هنرپرور شاهرخ، بایسنقر میرزا، برای پاسخگویی به او هنرمندی چون غیاث‌الدین نقاش را برگزید. عامل دیگر انتخاب وی بی‌طرفی و بی‌غرضی غیاث‌الدین در امور سیاسی بود و اینکه وی یکی از معتمدان بایسنقر میرزا به شمار می‌رفت. نکته قابل توجه در این انتخاب نقاش بودن غیاث‌الدین بود که می‌توانست در کنار یک گزارش مکتوب، یک گزارش مصور هم از این سفر پر ماجرا تهیه کند. در واقع امر، انتخاب غیاث‌الدین توسط بایسنقر به رخ کشیدن حضور نقاشان زبردست در دربار ایران بود (همان، ۳۴۵). در این باره حافظ ابرو نوشته است؛

> *خواجه غیاث‌الدین مذکور از آن روز باز که از دارالسطنه هرات بر عزیمت سفر ختای رفته بود تا به روزی که باز آمد، به هر موضع که رسیده آنچه دیده بود، از چگونگی راه و صفت ولایت و عمارت و قواعد شهرها و عظمت پادشاهان و طریقه ضبط و سیاست و عجایبی چند که در آن دیار مشاهده کرده مجموع بر چند جزو روز به روز به طریق روزنامه ثبت کرده* (ابرو، ۱۳۷۲، ۸۱۸-۸۱۹)

در این موقعیت، این فرضیه بیشتر قوت می‌گیرد که غیاث‌الدین نقاش واقعاً همان فردی است که در طی سفر به چین، تصاویری از تجربیات و مشاهدات خود را ثبت کرده و امروزه این تصاویر به نام نقاشی‌های استاد محمد سیاه قلم شناخته می‌شوند. با مقایسه محتوای سفرنامه مکتوب وی با تصاویر و نقاشی‌های محمد سیاه قلم، این فرضیه به یک سطح اطمینان نسبی می‌رسد.

دیو نگاره‌های محمد سیاه قلم

دیو نگاره‌های محمد سیاه قلم به صورت پراکنده در چندین موزه به صورت تک‌نگاره نگهداری می‌شوند که از جمله آن‌ها آثار موجود در موزه‌های توپقاپی استانبول، گالری هنر فریر و موزه متروپولیتن نیویورک و نیز مجموعه آثار هنرهای اسلامی خلیلی است؛ لکن پرشمارترین نگاره‌ها مربوط به موزه توپقاپی استانبول در مجموعه مرقع‌های شماره 2153.H و 2160.H دیده می‌شود. مضامین این نقاشی‌ها شامل انواع دیوها و شخصیت‌های مضحک، عجیب و غریب می‌باشند که در آثار محمد سیاه قلم به شکل‌های متنوع تصویر شده‌اند. به‌عنوان مثال یکی از این آثار حکایت از تصویر دو دیو دارد که به یکدیگر حمله کرده‌اند. یکی از این دیوها دُم دیگری را گرفته و دیو دیگر نیز با خنجری در دست در حال حمله به دیو نخست می‌باشد (آژند، ۱۳۸۹، ۳۳۳) (تصویر ۴). در *سفرنامه* غیاث‌الدین در رابطه با همین تصویر می‌توان به این سطور بازخورد؛

> *در حادی عشرین رجب به شهر قامل رسیدند و در این شهر امیر فخرالدین مسجدی بزرگ ساخته بود و در مقابل مسجد بتخانه{ساخته} بود به غایت بزرگ و در وی بتی بزرگ ساخته و از چپ و راست بتان دیگر خردتر بسیار بود{ند} و در پیش بت بزرگ مقدار بچه‌ئی ده ساله صورتی از مس ساخته در غایت صنعت و خوبی و بر دیوارهای خانه صورتیگری‌های استادانه کرده و رنگ‌آمیزی‌های خوب و بر در بتخانه صورت دو دیو که یکدیگر حمله کرده باشند.* (ابرو، ۱۳۷۲، ۸۲۲)

در یک بیان کلی می‌توان گفت این دیوان از بسیاری لحاظ همانند انسان هستند و اعمال انسانی دارند، به رقص و پایکوبی و نوازندگی مشغول‌اند، انسان‌ها و اسبان را می‌ربایند و یا اسبی را قربانی می‌کنند

(تصویر ۳). گاه می‌رقصند (تصاویر ۲۳، ۲۴)، گاه جدال می‌کنند (تصاویر ۴، ۵، ۶ و ۷)، گاه کمانچه کشیده (تصاویر ۲۵، ۲۷) و حرکاتی غریب می‌کنند که عقل در آن خیره می‌ماند. تصاویر این دیوان در حالات مختلف از جمله الوار بریدن (تصویر ۸)، دزدیدن مردی در بغل (تصویر ۲۰)، راندن خر به چوب در حالی که یکی از آن‌ها دم خر را گرفته است (تصویر ۱۷)، دیوی ایستاده و تکیه داده به یک عصا در حالی که دمش مثل اژدهایی به پایش پیچیده (تصویر ۲۸)، دیوی که کمانچه می‌نوازد و دیوی دیگر در پیاله نوشیدنی به او تعارف می‌کند و دیو سومی در گوشه سمت راست بدان‌ها می‌نگرد (تصویر ۲۵)، دیوی که انسان‌ها و اسبی را به بغل زده و می‌رباید (تصاویر ۱۸ و ۲۱)، دیوی که اژدهایی بر او پیچیده و دیوی دیگر طنابی در دست در پی نجات اوست (تصویر ۱۵) و قس علی‌هذا (آژند، ۱۳۸۹، ۳۳۳-۳۴۶).

با توجه به مضامین نقاشی‌ها، می‌توان ارتباطات و تفسیرات مختلفی برای چیستی این دیوها در نقاشی‌های محمد سیاه قلم ارائه داد. در نظر برخی این دیوها ممکن است نمایانگر نمادهایی از قدرت‌های شیطانی باشند که در برخی از مذاهب بت پرستانه درباره نیروهای پنهان طبیعت و مفاهیم شیطانی نمایان شده‌اند. یا بعضی دیگر از این دیوها ممکن است نمایانگر شمن‌هایی باشند که با رخپوش و نقاب از دیوان الهی تقلید می‌کنند (تصویر ۲۴) و با انجام اعمال مذهبی و مخفیانه، سعی در نجات و رهایی انسان‌ها و حیوانات دارند. پیکره‌های نقاشی‌های محمد سیاه قلم بازنمایی تیپ‌های انسانی و حیوانی را در بردارند، نه تصاویر شخصی و مشخص افراد خاص. او برای چهره پیکره‌ها از چند الگو و نقش اساسی بهره می‌گیرد، طوری که بیان هر کدام متفاوت است (همان، ۳۳۴). در نظر نگارندگان احتمال درستی این ادعا در باب چیستی دیوها در قیاس با متن *سفرنامه* غیاث‌الدین در آنجا قابل تأمل و بررسی که می‌نویسد؛

> هنرمندان نقابدار و با لباس مبدل نمایشی می‌دادند که شرحش دشوار است. لال‌بازانی مجهز به صورتک‌های مختلف که از مقوای نقاشی شده درست شده بود، رقص‌های جالب چینی را اجرا می‌کردند که به راستی شگفت‌انگیز بود. (ابرو، ۱۳۷۲، ۹۴۵)

در احتمالی دیگر نقش این دیوها ممکن است دارای مفاهیم مذهبی و یا اجتماعی باشد که غیاث‌الدین آن‌ها را از روی تصاویر معابد گرته برداری کرده است (آژند، ۱۳۸۹، ۳۴۶). ویژگی‌های سبکی، نمادگرایی و موضوعات این تصاویر، باعث شده است که محققان بسیاری معتقد باشند نقاشی‌ها نمایانگر محصول منطقه‌ای هستند که در آن فرهنگ اسلامی و غیراسلامی به یکدیگر آمیخته‌اند. به دلیل ویژگی‌های مشخصی که تأثیرات سبک چینی‌مآب در برخی از این تصاویر نمایان است، برخی معتقدند که این نقاشی‌ها احتمالاً در مناطقی ایجاد شده‌اند که در آن‌ها فرهنگ اسلامی با فرهنگ چین یا مغولستان به هم آمیخته است. یک نکته مهم که به طرز ساده و مبتنی بر شواهد پیشنهاد می‌شود، این است که برخی نقاشی‌ها از کاغذی استفاده می‌کنند که ممکن است از تبت یا چین وارد شده باشد که این ایده را تقویت می‌کند. از جالب‌ترین ادعاها، ادعای پروفسور جیمز وایت است که نقاشی‌های محمد سیاه قلم را با شاخه‌ای از ایده‌های ساتیریک رایج در دنیای اسلام در قرون چهارده و پانزده پیوند می‌دهد که با تقلیدی پارودی‌وار به این آداب مشترک پرداخته‌اند. آدابی که احتمالاً توسط برخی ناظران، بی‌معنی و یا ممنوعه پنداشته می‌شد (وایت، ۱۴۰۰، ۱۰۵). بعضی دیگر از پژوهشگران، نقاشی‌ها را مرتبط با مناطقی مانند دشت ترکمنان قبچاق، ماورالنهر، یا استپ‌های ولگا می‌دانند. افراد دیگری نیز آن‌ها را مختص به روس‌ها یا جماعت‌هایی از چادرنشینان ماوراءالنهر، ساکنان سیبری و مغولستان دانسته‌اند. اگرچه این تعیین هویت‌ها به هیچ وجه توسط تمامی محققان تأیید نشده لکن آنچه که همگان متفقند این است که نقاشی‌ها توسط یک هنرمند مسلمان ایجاد شده‌اند، نه توسط غیرمسلمانان یا اروپایی‌ها (آژند، ۱۳۸۹، ۳۳۵). در مجموع می‌توان با در نظر گرفتن تعدد آرای هنرپژوهان از عدم قطعیت نظر ایشان در باب هویت این نقاشی‌ها و تاریخ آنان سخن گفت. دیوهای محمد سیاه قلم در شکل‌ها و شمایل‌های مختلف و با ترکیب‌بندی‌های متفاوت تصویرسازی شده‌اند که در ۲۸ نگاره از موزه‌های مختلف می‌توان آن‌ها را مشاهده کرد. در هر یک از این نگاره‌ها بازنمایی خویشکاری‌های متفاوتی از دیوان در ارتباط با خویشکاری دیوان اساطیری قابل رویت است که در بخش‌های بعدی به آن اشاره خواهد شد.

خویشکاری دیوان محمد سیاه قلم

بر اساس تجزیه تصاویر دیوهای محمد سیاه قلم، خویشکاری و اعمال دیوان معمولا به چند بخش مختلف تقسیم شده است که وی این اعمال را هر بار در ترکیب‌بندی‌های مختلف به تصویر کشیده است؛ حتی در برخی از تصاویر چند عمل از سوی یک یا چند دیو به صورت همزمان سر می‌زند که برخی از این خویشکاری‌ها با عمل اساطیری دیوان مطابقت دارند. در معرفی هر یک از این خویشکاری‌ها، تطابق با خویشکاری‌های اساطیری دیوان نیز مدنظر خواهد بود. شرح خویشکاری‌های دیوان محمد سیاه قلم در جداول ۲ تا ۹ آمده است. این اعمال عبارت‌اند از: نزاع دیوان (با انسان، دیوی با دیو دیگری، نزاع دیوان جهت برتری جستن یکی بر دیگری)، انجام پیشه، حمل انسان، ربایش و دزدی، رقص، باده‌نوشی، رامشگری و مباحثه.

۱. خویشکاری نزاع دیوان

۱. ۱. نزاع دیوان با انسان‌ها

این خویشکاری دیوان ریشه در اساطیر ایرانی دارد. شاهنشاهان و دلاوران ایران از دوران فرمانروایی نخستین پادشاه اساطیری، کیومرث تا زمان سلطنت گشتاسپ با دیوان دست و پنجه نرم می‌کردند (طباطبائی، ۱۳۴۳، ۳۹) و بخش مهمی از شاهنامه نیز نبرد رستم با دیوان در هفت خوان است. نقاش این نوع نزاع را در دو (تصاویر ۱-۲) به ترسیم درآورده است که در اولی، انسان دیو سیاهِ خالدار و غول پیکری را به سر گرفته و در حال زمین زدن اوست و در تصویر دیگر دو انسان با طناب گره خورده به گردن دیو سیاه و شاخدار در حال آزار هستند که در سمت چپ، مرد با چماق در دست به حالتی که می‌خواهد دیو را بزند، مشاهده می‌شود (ردیف اول از جدول ۲).

۱. ۲. نزاع دیو با دیو

همانند عمل نزاع انسان‌ها با دیوان؛ نزاع دیو با دیو هم در تصویرسازی‌های محمد سیاه قلم به چشم می‌خورد. این نوع نزاع در دو (تصاویر ۳-۴) تصویرسازی شده است. نگاره مربوط به تصویر سه نمونه جالبی در این خصوص است که سیاه قلم درگیری دیوان در این تصویر

را به سه قسمت مجزا تقسیم کرده است که در هر قسمت دو دیو بر سر خوردن گوشت اسب سفیدی که قربانی و یا توسط خود دیوان دریده شده است، با هم در نزاع هستند. این مورد در تطابق با دیو ائشم یا همان دیو خشم قرار دارد. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد دیو ائشم از پر صدمه‌ترین و آسیب‌رسان‌ترین دیوان شناخته شده که این تصویر نیز گویای چهره درندگی دیوان است. این دیو مظهر سنگدلی و درنده‌خویی بوده و این عمل را علیه چارپایان به کار می‌برد. در اینجا نیز دیوان این بی‌رحمی را در کشتار یک اسب سفید نشان می‌دهند که همانند خوی این دیوها در دزدی؛ نزاع بر سر دزدیدن گوشت اسب مشاهده می‌شود (تصویر ۳ در جدول ۲) در (تصویر ۴)؛ دو دیو در حال نزاع کردن مشاهده می‌شوند که یکی دم دیگری و آن یکی ریش وی را در دست گرفته است. نکته قابل تأمل در این تصویر، دم دیو سمت راست است که شمایل مار گونه دارد و پای دیو مقابلش را نیش می‌زند. در مقابل آن، دیو سمت چپ با خنجری که در دست گرفته، قابل رویت است (تصویر ۴ در جدول ۲). در این تصویر نیز به طور بارز می‌توان خشم را در چهره و عمل دو دیو مشاهده کرد.

۳.۱. نزاع دیوان با برتری جستن یکی بر دیگری

برخی از تصاویر نزاع دیوان حاکی از برتری جستن یکی بر دیگری یا دیگران است. در (تصویر ۵)، یک دیو با حالت خشم در حالِ گره زدن طناب به دست دیو دیگری است در حالیکه دستان دیو دومی را نیز پیشتر بسته است. این دیو همانند دیو (تصویر ۴) دارای دم مارگونه که مجدد در حالت نیش زدن پای دیو دیگری است. در دیگر (تصاویر ۶-۷)، در عمل درگیری، دیوی دیو دیگر همانند خود را در بغل گرفته و این‌گونه به نظر می‌رسد که در حال زدن زمین وی است. در تطبیق عمل این دیوان با وظیفه اساطیری‌شان، می‌توان به عمل آناست دیو اشاره نمود، از این جهت که وی دیویست زورگو که زور می‌گوید. در اینجا نیز در هر سه تصویر دیوی جهت برتری یافتن به دیگری بر یکدیگر زورآوری و زورگویی می‌کنند (ردیف سوم از جدول ۲).

۲. انجام پیشه

دومین عمل دیوان به انجام کار، در معنای انجام یکی از پیشه‌های انسانی مربوط می‌شود؛ به گونه‌ای که محمد سیاه قلم آن‌ها را در حین انجام اعمال مختلف مرتبط با یک کار یا پیشه به تصویر کشیده است.

جدول ۲. طبقه‌بندی تصاویر دیو سیاه قلم به لحاظ خویشکاری نزاع دیوان.

نزاع دیوان با انسان‌ها			
تصویر ۱		تصویر ۲	
مأخذ: (Ipsioglu,1985, 40)		مأخذ: (URL4)	
نزاع دیو با دیو			
تصویر ۳		تصویر ۴	
مأخذ: (Ipsioglu,1984, 50)		مأخذ: (Ipsioglu,1985, 40)	
نزاع دیوان با برتری جستن یکی بر دیگری			
تصویر ۵		تصویر ۶	
تصویر ۷			
مأخذ: (Ipsioglu,1985, 40)		مأخذ: (Ipsioglu,1984, 53)	مأخذ: (Ipsioglu,1984, 52)

(تصویر ۸)، دو دیو سیاه با تن وزغ گونه را در حال بریدن تنه درخت با اره به دو نیمه نشان می‌دهد. در (تصویر ۹)، نقاش دو عمل را در یک نگاره نشان داده است که عمل نخ‌ریسی توسط دیو نشسته سمت راست کاملا مشهود است. عمل حمل صندوقچه در دو (تصاویر ۱۲ و ۱۴) دیده می‌شود. (تصویر ۱۲) که یکپارچه از مجموع (تصاویر ۱۰-۱۳) است، دو دیو در حالت پرواز و زنجیره‌های متصل به صندوقچه در حال حمل هستند. در (تصویر ۱۴)؛ نقاش سه دیو را به حالت زنجیری و متصل به هم در حال حمل صندوقچه‌ها نشان داده است. (تصویر ۱۵)؛ یکی از نگاره‌های بسیار جذابی است که ترکیب‌بندی و تصویرسازی در نوع خود عجیب است. دو دیو در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. دیو سمت چپ در اسارت یک اژدها بوده که دور او پیچیده است و ظاهراً از دیو مقابل خود در حال دادخواهی است. دیو مقابل او با ابزار نخی که انتهای آن سم اسب است، در حال نجات دیو مقابلش اقدام می‌کند. یک عمل متفاوت دیگر در (تصویر ۱۶) با عمل آسیاب کردن دو دیو در سمت راست تصویر مشاهده می‌شود که در این تصویر نیز دو عمل تصویرسازی نگارنده وجود دارد (جدول ۳). در ارتباط با این خویشکاری هیچگونه دیو اساطیری مرتبط در متون اوستایی و پهلوی مشاهده نشده است. می‌توان گفت محمد سیاه قلم از طریق این خویشکاری سعی در بخشیدن اعمال انسانی به دیوهای آثار خود را دارد. به گونه ای که دیوان در اجتماع انسانی حضور یافته و به انجام پیشه خصوصی مشغول شده‌اند.

۳. حمل انسان

دیگر اعمال دیوها مربوط به حمل انسان و در قالب خدمت‌رسانی به انسان که همانند یک مجموعه تصویرسازی شده‌اند. در (تصویر ۱۰)، دو دیو پادشاه و ملکه را در حالت فرشته و پروازکنان داخل یک تخت پر زرق و برق حمل می‌کنند. (تصویر ۱۱)؛ همانند (تصویر ۱۰) البته با فرق در شمایل دیوان به حالت زمینی و راه رفته در حال حمل کالسکه پادشاه و ملکه هستند؛ (تصویر ۱۳) در ادامه‌ی همین تصویر؛ به کمک یک فرشته که سایه‌بان را حمل می‌کند چند فرشته دیگری را داخل تخت حمل می‌کنند (جدول ۴). این خویشکاری نیز مطابقت با دیوهای اساطیری ندارد. توضیح اینکه این بخش نیز چون بخش انجام پیشه، مربوط به یافتن عملی انسانی و حضور یافتن در اجتماع آدمیان برای خدمت رسانی است.

۴. ربایش و دزدی

این عمل دیوان یکی از خویشکاری‌های به جامانده از دوره‌های اساطیری می‌باشد که به صورت مشخص ربوده شدن (شاه دختان) به دست دیوان به دلیل شیفتگی ایشان به آنان در متون پهلوانی و داستان‌های عامیانه ایران و جهان به کرّات آمده است (غفوری، ۱۳۹۴، ۵۴). در اینجا نیز محمد سیاه قلم این اعمال را در قالب دزدیدن حیوانات گاه الاغ،

جدول ۳. طبقه‌بندی تصاویر دیو سیاه قلم به لحاظ خویشکاری پیشه.

تصویر ۸		تصویر ۹		تصویر ۱۲	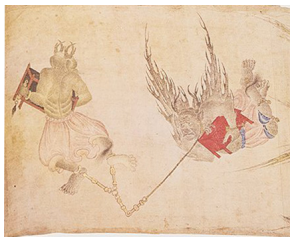		
مأخذ: (Ipsioglu,1985, 40)				مأخذ: (Ipsioglu,1984, 56)			
تصویر ۱۴		تصویر ۱۵		تصویر ۱۶			
مأخذ: (URL1)		مأخذ: (Ipsioglu,1984, 58)		مأخذ: (URL7)			

جدول ۴- طبقه‌بندی تصاویر دیو سیاه قلم به لحاظ خویشکاری حمل انسان.

تصویر ۱۰		تصویر ۱۱		تصویر ۱۳			
مأخذ: (Ipsioglu,1984, 56)							

اسب و یا گاو (تصاویر ۱۷- ۱۹) و نیز ربایش آدمیزاد (تصاویر ۲۰-۲۱) به صورت منفرد و یا در ترکیب (تصویر ۲۲) هر دو نشان داده است (جدول ۵). در تطابقت این دیوان با خویشکاری دزدی، دیو دریوی وجود دارد که به دیو گدائی زبانزد است.

۵. رقص و پایکوبی

یکی از خویشکاری‌های قابل تأمل دیوان عمل رقص و پایکوبی است که در دو (تصاویر ۲۳-۲۴) مشاهده می‌شود. این عمل به صورت گروهی و تکی تصویرسازی شده است که در (تصویر ۲۳)؛ دو عمل رامشگری و رقص باهم ترکیب‌بندی شده و در قسمت مرکزی دو دیو رقاص با سازهای سنج و شال‌های گره کرده دور دستان خود می‌رقصند. در (تصویر ۲۴)، یک مورد جالب شامل دیو دو سر مشاهده می‌شود که با دستمالی به دست در حال رقصیدن است (جدول ۶). این خویشکاری نیز مطابقت با دیوهای اساطیری ندارد.

۶. باده‌نوشی

این عمل در بیشتر نگاره‌ها در ترکیب با دیگر اعمال تصویرسازی شده است که این عمل را می‌توان بیشتر به فریب‌کاری و گمراهی دیوان نسبت داد که کماکان دیوی در حال فریب دیو دیگر به عمل باده‌نوشی تصویرسازی شده است. عمل باده‌نوشی با عمل رامشگری ادغام شده است (تصاویر ۲۵ و ۲۷)؛ چنانچه دیوی در حال زدن ساز کمانچه است، دیو روبه‌رو در حال تعارف باده، دست خود را به سمت وی دراز کرده است. در حالت دیگر، دیوی در حال تعارف باده است و دیو روبه‌روی وی متفکرانه نشسته است (تصاویر ۱۶ و ۲۶) در (تصویر ۹)؛ همچنان که دیوی در حال تعارف باده به دیو مقابل خود است، دیو روبه‌رو در حال انجام عمل نخ ریسی است (جدول ۷). در ارتباط با این خویشکاری اساطیری دیوان اشارات مبسوطی وجود دارد. خویشکاری باده‌نوشی به نماد مستی در دیو سئورو یا ساول دیده می‌شود. از سوی دیگر در این خویشکاری، دیوی در حال تعارف کردن باده به دیو دیگر بوده که بیانگر فریب دادن و گمراهی است که در دوره اساطیری دیوان اکتش، فریفتار و کسویش به‌عنوان نمادی از فریبکاری و منع کردن از کارهای درست وجود داشته‌اند.

۷. رامشگری

سه نگاره از نقاشی‌های سیاه قلم بیانگر عمل رامشگری است که در هر سه مورد عملِ رقصیدن و باده نوشی ترکیب شده‌اند. (تصاویر ۲۵ و ۲۷)

جدول ۵. طبقه‌بندی تصاویر دیو سیاه قلم به لحاظ خویشکاری دزدی.

تصویر ۱۷		تصویر ۱۸		تصویر ۱۹	
مأخذ: (Ipsioglu,1985, 40)				مأخذ: (URL6)	
تصویر ۲۰		تصویر ۲۱		تصویر ۲۲	
مأخذ: (Ipsioglu,1985, 40)				مأخذ: (URL5)	

جدول ۶. طبقه‌بندی تصاویر دیو سیاه قلم به لحاظ خویشکاری رقص.

تصویر ۲۳		تصویر ۲۴	
مأخذ: (Ipsioglu,1984, 45)		مأخذ: (URL2)	

عمل زدن ساز کمانچه را نشان می‌دهد که در هر دو تصویر دیو رامشگر یکبار در قسمت چپ و یکبار سمت راست ترکیب‌بندی شده است. در (تصویر ۲۳)؛ قسمت راست و چپ تصویر دو دیو به حالت نشسته و با دستان بالا گرفته در حال زدن ساز سنج برای دیوان رقاص هستند (جدول ۸) دیو اساطیری مرتبط با این خویشکاری هویت ندارد.

۸. مباحثه و گفت‌وگو

دو نگاره متفاوت از نقاشی‌های سیاه قلم مربوط به عمل مباحثه است. در (تصویر ۳)، ترکیب‌بندی دو عمل مشاهده می‌شود. در حالیکه دیوان در صحنه مقابل در حال نزاع بر سر گوشت اسب سفید هستند دو دیو زن در پشت کوه‌ها در حالتی آرام در قیاس با درگیری صحنه مقابل، در حال مباحثه با یکدیگرند. در (تصویر ۲۸)؛ یک دیو به حالت ایستاده و عصا به دست با دست اشاره خود در حال مباحثه و گفت و گو با فرد یا دیو پنهان در تصویر است که چشمان دیو و دم اژدها مانندِ دیو به سمت بالای تصویر اشاره دارد. (جدول ۹) در جست‌وجوی دیو مرتبط با این خویشکاری، سپزگ دیو، با عمل سخن‌چینی و غیبت وجود دارد.

دیوان و خویشکاری‌های مربوط به آنان در گذر از دوره‌های اساطیری و حماسی تغییراتی را به خود دیده‌اند چنانچه از جایگاه خداگونگی خود و انجام اعمالی نظیر سحر و جادوگری، وارونه‌کاری و نیز لشکرکشی که در شاهنامه فردوسی و دیگر روایات شفاهی از آن‌ها سخن به میان آمده تا حدودی فاصله گرفته و در دوره‌های متأخرتر در فرهنگ عامیانه مردم بیشتر به گونه موجودی اهریمنی با هیبتی غریب و ترسناک و البته خرفت و وارونه‌کار درآمده‌اند.

جدول ۷. طبقه‌بندی تصاویر دیو سیاه قلم به لحاظ خویشکاری باده نوشی.

تصویر ۹		تصویر ۱۶		تصویر ۲۵			
مأخذ: (Ipsioglu,1985, 40)		مأخذ: (URL7)		مأخذ: (Ipsioglu,1985, 40)			
تصویر ۲۶				تصویر ۲۷			
مأخذ: (Ipsioglu,1985, 40)				مأخذ: (URL3)			

جدول ۸. طبقه‌بندی تصاویر دیو سیاه قلم به لحاظ خویشکاری رامشگری.

تصویر ۲۳		تصویر ۲۵		تصویر ۲۷			
مأخذ: (Ipsioglu,1984, 45)		مأخذ: (Ipsioglu,1985, 40)		مأخذ: (URL3)			

جدول ۹. طبقه‌بندی تصاویر دیو سیاه قلم به لحاظ خویشکاری مباحثه.

تصویر ۳		تصویر ۲۸					
مأخذ: (Ipsioglu,1984, 50)		مأخذ: (Ipsioglu,1985, 40)					

جدول ۱۰. تقابل خویشکاری اساطیری دیوان و خویشکاری دیوان محمد سیاه قلم.

دیوان اساطیری	دیوان محمد سیاه قلم	تصویر
خویشکاری خشم و سنگدلی؛ ائشم دیو	خویشکاری نزاع دیو با دیو	تصویر ۳
خویشکاری زورگو؛ آناست دیو	خویشکاری نزاع دیوان با برتری جستن یکی بر دیگری	تصاویر ۵، ۶، ۷
خویشکاری گدائی؛ دریوی دیو	خویشکاری دزدی	تصاویر ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲
خویشکاری مستی؛ سئورو یا ساول دیو خویشکاری فریب و گمراهی: اکتش دیو، فریفتار دیو و کسویش دیو	خویشکاری باده نوشی (گمراهی)	تصاویر ۹، ۱۶، ۲۵، ۲۶، ۲۷
خویشکاری سخن چینی؛ سپزگ دیو	خویشکاری مباحثه و گفت‌وگو	تصاویر۳ و ۲۸

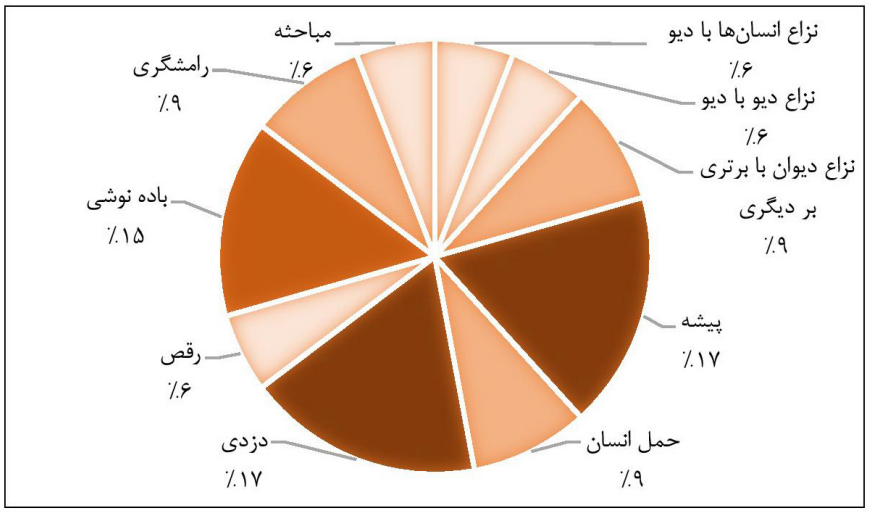

نمودار ۱. درصد فراوانی اعمال دیوان محمد سیاه قلم.

نتیجه

در تحلیل‌های صورت‌گرفته از دیوان محمد سیاه قلم می‌توان گفت که این دیوان در قیاس با نقش اساطیری خود که در برخی از منابع اوستایی و پهلوی و در مجموعه‌های یسنا، گات‌ها، یشت‌ها و وندیداد و نیز با تغییر نام در برخی از تألیفات پهلوی همانند بندهش و مینوی خرد بدانان اشاره گردیده، وظیفه اصلی خود را حفظ نموده‌اند به‌گونه‌ای که بخش قابل توجهی از خویشکاری‌های مربوط به دوره‌های اساطیری در دیوان چون نزاع همانند آناست دیو و ائشم دیو؛ دزدی همچون دریوی دیو؛ باده‌نوشی همانند سئورو دیو و همچنین گمراه کردن مانند دیوان اکتش، فریفتار و کسویش و خویشکاری مباحثه سپزگ دیو، عموماً ریشه در وجه اهریمنی اساطیری این موجودات دارند (جدول ۱۰). دیوان تصویرسازی شده به دست محمد سیاه قلم هنرمند عجایب‌النگار قرن هشت ه.ق در ترکیب‌بندی‌های مختلف با خویشکاری‌های متعددی از دوره‌های اساطیری حماسی و حتی فرهنگ عامه به نمایش درآمده‌اند. که به یقین دیده‌ها و شنیده‌ها و تجربیات سیاه قلم در هویت‌بخشی به چهره دیو نیز مضاعف بر موارد فوق‌الذکر است.

بر اساس تجزیه‌وتحلیل‌های انجام‌گرفته، دیوان محمد سیاه قلم، بیشتر در قالب انسانی درآمده و با نمایش اعمال و وظایف انسانی تصویرسازی شده‌اند چنانچه گاه در حال خدمت‌رسانی به انسان‌ها (یا حمل آن‌ها)، و حتی ساز زدن و رقصیدن به نمایش درآمده‌اند. بر این اساس درصد فراوانی (نمودار ۱) بیشترین عملِ خویشکاری دیوان محمد سیاه قلم مربوط به انجام پیشه از سوی دیوان است که آن‌ها را در حال انجام اعمالی چون بریدن تنه درخت (درودگری)، نخ‌ریسی، نجات‌دادن و آسیاب‌کردن و نیز حمل صندوقچه نشان می‌دهد. همچنین عمل مربوط به خویشکاری رباییش و دزدی که بیشترین این عمل مربوط به دزدی حیوانات است.

پی‌نوشت‌ها

1. James White.

۲. این واژه برگرفته از مقاله‌ی «خویشکاری فردوسی» ژاله آموزگار است. ژاله آموزگار این واژه را در مقاله فوق به معنی وظیفه به کار برده است.

3 . Daeva.

4 . Deva.

5 . Dev.

۶. شمال

۷. یسنها مجموعه‌ای از دعاها و نیایش‌هایی که در مراسم عبادی زرتشتی به همین نام (یسنا)، خوانده می‌شود.

8. Assura and Ahura.

۹. همیستار در متن‌های پهلوی

۱۰. پهـ. anast dev
۱۱. ستا. aesma، پهـ aesm
۱۲. ستا . و پهـ akatas
۱۳. ستا. daivi، پهـ freftar dev
۱۴. ستا.drivis، پهـ drivi
۱۵. ستا. Saurva، پهـ saval
۱۶. ستا. spazga، پهـ spazg
۱۷. ستا. kasvis

فهرست منابع

آژند، یعقوب (۱۳۸۹)، *نگارگری ایران (جلد اول)*، تهران: سمت.
آموزگار، ژاله (۱۳۸۷)، خویشکاری فردوسی، *بخارا*، شماره ۶۶، ۱۸-۲۹.
آموزگار، ژاله (۱۳۷۹)، *مینوی خرد*، ترجمه احمد تفضلی، تهران: توس.
آموزگار، ژاله (۱۳۷۴)، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: سمت.
آموزگار، ژاله (۱۳۷۱)، دیوها در آغاز دیو نبودند، *کلک*، شماره ۳۰، ۱۶-۲۴.
ابراهیمی، معصومه (۱۳۹۲)، بررسی سیر تحول مفهومی دیو در تاریخ اجتماعی و ادبیات شفاهی، فصلنامه *فرهنگ و ادبیات عامه*، ۲(۱)، ۵۳-۸۲.
Doi: 20.1001.1.23454466.1392.1.2.1.9.
ابرو، حافظ (۱۳۷۲)، *زبدة‌التواریخ*، مصحح سید کمال حاج سید جوادی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
اکبری مفاخر، آرش (۱۳۸۹)، هستی‌شناسی دیوان در حماسه‌های ملی بر پایه *شاهنامه* فردوسی، *کاوش‌نامه*، ۲۱(۱۱)، ۶۱-۸۷،
Doi: 10.29252/KAVOSH.2011.2518.
اکبری مفاخر، آرش (۱۳۸۷)، دیوان در متون اوستایی و فارسی باستان، *مطالعات ایرانی*، ۱۴(۷)، ۵۱-۶۳.
بهار، مهرداد (۱۳۷۵)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: انتشارات آگاه.
بهار، مهرداد (۱۳۴۵)، *بُندهش*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
بهرامی، احسان (۱۳۶۹)، *فرهنگ واژه‌های اوستائی (جلد سوم)*، تهران: بلخ.
پورداود، ابراهیم (۱۳۷۷)، *یشت‌ها (جلدهای یک و دو)*، تهران: اساطیر.
پورداود، ابراهیم (۱۳۳۶)، *یادداشت‌های گات‌ها*، تهران: اساطیر.
رضی، هاشم (۱۳۸۵)، *وندیداد(جلدهای یک و دو)*، تهران: بهجت.
طباطبائی، احمد (۱۳۴۳)، دیو و جوهر اساطیری آن. *زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)*، ۶۹(۱۶)، ۳۹-۴۵.
Doi:20.1001.1.22517979.1343.16.69.4.0
عفیفی، رحیم (۱۳۷۴)، *اساطیر و فرهنگ ایرانی*، تهران: توس.
عیوضی، رشید (۱۳۴۵)، مظاهر شر در آیین زرتشتی، *زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)*، ۷۸(۱۸)، ۱۵۲-۱۷۱.
Doi:20.1001.1.22517979.1345.18.78.2.0
غفوری، رضا (۱۳۹۴)، بررسی صفات و خویشکاری‌های دیوان در مجموعه *روایات فردوسی‌نامه*، *جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق)*، ۴(۴۸)، ۴۹-۶۸، Doi: 10.22067/JLS.V48I3.42042.
قلی‌زاده، خسرو (۱۳۹۲)، *فرهنگ اساطیر ایرانی*، تهران: پارسه.
کریستنسن، آرتور (۱۳۵۵)، *آفرینش زیانکار در روایات ایرانی*، ترجمه احمد طباطبائی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
مسکوب، شاهرخ (۱۳۵۱)، *سوگ سیاوش (در مرگ و رستاخیز)*، تهران: خوارزمی.
وایت، جیمز (۱۴۰۰)، ساتیر در نقاشی‌های محمد سیاه قلم. ترجمه ستاره نصری، *مطالعات هنرهای زیبا*، ۳(۲)، ۱۰۴-۱۳۵.
هینلز، جان (۱۳۷۳)، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.
یاحقی، محمد جعفر، (۱۳۲۶)، *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.

Ipshiroglu, M Shevket, 1985, Bozkur Ruzgari Siyah Kalem, Istanbul: Ada Yayinlari.
Ipshiroglu, Mazhar Shevket, 1984, Siyah Kalem, Italy: Salerno.
URL1: https‹//www.artkolik.net/yazilar/cinlerin-efendisimehmet-siyahkalem-6971, (2023/6/11).
URL2: https://www.artnet.com/artists/siyah-qalam/a-dancing-dev, (2023/6/11).
URL3: https://www.asia.si.edu/collection /edanmdm‹fsg- F1937.25/ (2023/7/11).
URL4: http://www.clevelanart.org/art/1982.63‹ (2023/6/8).
URL5: http://www.khalilicollections.org/collections/1065, (2023/6/15).
URL6: https://www.khalilicollections.org/collections/1075, (2023/6/10).
URL7: http://www.Metmuseum.prg/art/collections/45 1991, (2023/6/7).